

نگاه ۲۰۱۸

سارا خادم‌الشریعه:

دوست دارم آلمان‌ها قهرمان جام جهانی شوند

● **شرق:** سارا خادم‌الشریعه، استاد بزرگ شطرنج کشور، هم‌جزه علاقه‌مندان به فوتبال است که این روزها به مسکو سفر کرده تا تماشاگر بازی‌های تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه باشد.
دیدن بازی‌های جام جهانی همیشه یکی از آرزوهای این بانوی تاریخ‌ساز بوده که حالا به‌واسطه شغل همسرش برای او برآورده شده است. او در فاصله یک روز مانده به بازی ایران با تیم مراکش به «شرق» می‌گوید: «همیشه دلم می‌خواست که یک روزی این فرصت برایم به وجود بیاید تا بتوانم به‌عنوان یک تماشاگر بازی‌های جام جهانی را از نزدیک ببینم. خوشبختانه به‌واسطه کار همسرم این فرصت شغل به وجود آمد. او از برنامه‌سازان آیارات است که باید برای جام جهانی به روسیه می‌آمد. ما بلیت بازی مراکش و اسپانیا را گرفته‌ایم. اگر بتوانیم بلیت بازی با پرتغال را هم بگیریم تا آن زمان در روسیه خواهیم بود. واقعا فضای پرنشاطی بر کشور روسیه حاکم است. هر کجا که می‌روی حرف جام جهانی است. ایرانی‌های خیلی زیادی به اینجا آمده‌اند تا بازی‌های تیم ملی کشورمان را ببینند».
اولین استاد بین‌المللی زن شطرنج ایران امیدوار است که ایران پیروز بازی با مراکش باشد: «با توجه به قرعه سختی که ما داریم، کار سختی پیش‌رو داریم، اما من درکل امیدوار هستم که نتیجه آبرومندانه‌ای بگیریم. این‌شا‌الله بازی با مراکش را می‌بریم. با اسپانیا و پرتغال هم مساوی بگیریم خوب است».
خادم‌الشریعه دوست دارد تا از نزدیک با بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران ملاقات داشته باشد، البته اگر کارلوس کی‌روش سخت‌گیری نکند: «استاش صحبت‌هایی را کرده‌ام تا اگر بشود بروم و از نزدیک فوتبالیست‌های کشورمان را ببینم، اما آن‌طور که می‌گویند آقای کی‌روش، سرمربی تیم، خیلی سخت‌گیری می‌کند. اگر این فرصت به وجود نیامد، من هم مثل سایر هواداران ایرانی که در یک تیم مشخص با بازیکنان ملاقات می‌کنند، آنها را خواهم دید».
اما سارا خیلی دوست دارد تا ژرمن‌ها قهرمان این دوره رقابت‌های جام جهانی فوتبال باشند: «تا آنجا که پادم می‌آید از بچگی تنها بازی‌های تیم‌های آلمانی را در خانه می‌دیدم. چون پدر من علاقه‌مند به بوندس‌لیگا بود و همیشه این لیگ را تماشا می‌کرد، من هم به بازی آلمانی‌ها علاقه‌مند شدم. تیم موردعلاقه‌ام هم بایرن‌مونیخ است. البته خود هم چون بوندس‌لیگای آلمان شطرنج بازی کرده‌ام، به‌نوعی به این کشور و تیم‌های ورزشی این کشور عرق دارم. دوست دارم آلمان‌ها قهرمان جام ۲۰۱۸ شوند».



سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

سارا خادم‌الشریعه با پرچم ایران

ورزش



عکس، AFP

ایران-مراکش باهدف ایجاد غرور ایرانی

واینک فینال جام جهانی

می‌گیرند؛ عکسی که شاید ارزش واقعی درک مخاطب و تماشاگر را

نشان دهد.

کی‌روش: ضمانت می‌دهیم که تا آخرین نفس مبارزه کنیم

در کمپ همه چیز طبق برنامه پیش می‌رود؛ گرم‌کردن‌های ساده شروع شده و تا چشم کار می‌کند توپ‌های ویژه جام جهانی است. این‌بار رنگ لباس تمرینی ملی‌پوشان طوسی است؛ چیزی شبیه به آسمان مسکو که مدام تراکم ابرهایش کم و زیاد می‌شود. روحیه ملی‌پوشان ایرانی اما طوسی که نه، بسیار هم سرزنده و شاداب است. همه چوری تمرین می‌کنند که انگار قرار است در «فینال جام جهانی» به میدان بروند؛ انگار همین یک شناس برایشان باقی مانده تا هر طور شده خودشان را به دنیا ثابت کنند. درست است که لیختد و شوخی سر جایش است ولی هرکسی با هر ضربه‌ای که به توپ می‌زند، به یک چیز فکر می‌کند؛ مراکش. «الان دیگر زمانش رسیده تا بچه‌های من انرژی‌شان را تخلیه کنند و بازی خوبی برابر مراکش به نمایش بگذارند». این اولین جمله‌ای است که کارلوس کی‌روش به زبان می‌آورد؛ او که با شبکه تلویزیونی «اسکای اسپرتس» صحبت می‌کرد با همان چهره خندان به سمت دیگری برگشت. همان‌طور که لیختد به لب داشت، چهره‌ای کاملا جدی هم به خودش گرفته بود؛ زنجیر طلائی رنگش که در بیشتر بازی‌های اخیر تیم ملی کاملا به چشم آمده این‌بار نصفه‌ونیمه از زیر لباس سرمه‌ای‌رنگش پیداست.

کی‌روش این‌بار در پاسخ به سؤال روزنامه «شرق» سعی می‌کند کامل‌تر و بهتر شرایط تیم ملی پیش از بازی با مراکش را توضیح دهد. «ببینید، واقعا می‌خواهم تلاش کنم این بار شرایط را به‌طور ملموس‌تر و واضح‌تر برایتان شرح دهم. مراکش تیمی آفریقایی است ولی اصلا شبیه به دیگر تیم‌های آفریقایی نیست. می‌خواهم تکویم متفاوت‌ترین تیم آفریقایی است که می‌شناسم. بسیاری از بازیکنانش در اروپا متولد شده‌اند و در همان فوتبال و در تیم‌های بسیار خویش رشد کرده‌اند. آنها حالا علم، تجربه و توانایی فوتبال سد روز دنیا را دارند. به همین دلیل است که می‌گویم متفاوت با بقیه تیم‌های آفریقایی هستند؛ هم خلایقیت دارند، هم قدرت بدنی و فوتبال سریعی را تجربه می‌کنند. ژنتیک فوتبال آنها ژنتیک ترکیبی است و از قوانین تکویم متفاوتی پیروی می‌کنند. این موضوع حتی درباره تیم مللی پرتغال هم صدق می‌کند؛ آنها هم بازیکنانی با ژنتیک‌های فنی مختلف دارند». کی‌روش در

تیم ملی در نظر گرفته است. سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران حالا به

اولین سسد بزرگش در جام جهانی نزدیک می‌شود؛ نزدیک‌تر از هر شینی

که در آینه دیده می‌شود. مراکش برای ایران از اسپانیا و پرتغال به‌مراتب

مهم‌تر است؛ پای مرگ و زندگی و بقا و خداحافظی به شدت در میان

است. هرکدام از این دو تیم اگر ببازند، ۹۹.۹۹ درصد باید چمدان‌ها

را ببندند و «بای بای» جام جهانی. اما کدام تیم‌زودتر خداحافظی

می‌کند؟ «مراکش که ردخور ندارد. این تیمو مته هلو می‌بریم. من حتی

می‌گم برای بازی برابر دو تیم دیگه هم شناس داریم. اسپانیا رو بتونیم

نتیجه خوبی بگیریم که حله چون پرتغال رو فک می‌کنم آقای کی‌روش

راحت می‌تونه برابرش نتیجه بگیره». این را مهرداد می‌گوید؛ هواداری

که پیراهن تیم ملی را به تن کرده، عینکی به رنگ پرچم ایران به چشم

زده و دستبندی به همان سه رنگ هم روی مچ دستش بسته است.

مهرداد را به تمرین راه نداده بودند ولی او و ده‌ها نفر دیگری که محل

کمپ تمرینی تیم مللی را پیدا کرده بودند، تقریبا هر روز همان جاها

بودند. انگار می‌دانستند حتی اگر به محل تمرین هم راهشان ندهند،

بالاخره بازیکنان تیم ملی به سراغشان می‌آیند و با آنها عکس یادگاری

بگیرند؛ عکسی که شاید ارزش واقعی درک مخاطب و تماشاگر را

نشان دهد.

است که معترض است. انگار نباید کسی فیلمی، عکسی، چیزی بگیرد.

یکی از ماموران انتظامات که مسئول رسیدگی به تمرینات تیم ملی

است، با این رویه با آنهایی که بخواهند به حریمش تجاوز کنند، برخورد

می‌کند....

از پشت فنس‌های فلزی که ردیف‌های مربعی‌شکل بزرگی دارد،

می‌شود به راحتی هر دو زمین چمن تمرینی تیم ملی در مسکو را

دید. بااین‌حال چیزی که بیش از سبزی زمین چمن به چشم می‌آید،

دیوار نوشته آبی بزرگی است که روی دیوارهای افقی بزرگ کمپ به

چشم می‌آید: «خوش آمدید». معدود کلمات فارسی که می‌شود در

مسکو دید. کنارش هم به روسی همان عبارت را نوشته‌اند. هر دو دیوار

اصلی کمپ با همین دیوارپوش و نوشته‌ها مزین شده است. در کمپ

هم همه چیز آرام به نظر می‌رسد ولی چیزی شبیه به آرامش قبل از

توفان است. کمک‌مربیان و «ترنرها» اولین نفراتی هستند که می‌آیند.

قیف، کتژ و مانع‌های پلاستیکی و بادی به دست، وسایل را همه جای

زمین می‌چینند؛ آنها مجربان طرحی هستند که کی‌روش برای تمرین

تیم ملی در نظر گرفته است. سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران حالا به

اولین سسد بزرگش در جام جهانی نزدیک می‌شود؛ نزدیک‌تر از هر شینی

که در آینه دیده می‌شود. مراکش برای ایران از اسپانیا و پرتغال به‌مراتب

مهم‌تر است؛ پای مرگ و زندگی و بقا و خداحافظی به شدت در میان

است. هرکدام از این دو تیم اگر ببازند، ۹۹.۹۹ درصد باید چمدان‌ها

را ببندند و «بای بای» جام جهانی. اما کدام تیم‌زودتر خداحافظی

می‌کند؟ «مراکش که ردخور ندارد. این تیمو مته هلو می‌بریم. من حتی

می‌گم برای بازی برابر دو تیم دیگه هم شناس داریم. اسپانیا رو بتونیم

نتیجه خوبی بگیریم که حله چون پرتغال رو فک می‌کنم آقای کی‌روش

راحت می‌تونه برابرش نتیجه بگیره». این را مهرداد می‌گوید؛ هواداری

که پیراهن تیم ملی را به تن کرده، عینکی به رنگ پرچم ایران به چشم

زده و دستبندی به همان سه رنگ هم روی مچ دستش بسته است.

مهرداد را به تمرین راه نداده بودند ولی او و ده‌ها نفر دیگری که محل

کمپ تمرینی تیم مللی را پیدا کرده بودند، تقریبا هر روز همان جاها

بودند. انگار می‌دانستند حتی اگر به محل تمرین هم راهشان ندهند،

بالاخره بازیکنان تیم ملی به سراغشان می‌آیند و با آنها عکس یادگاری

بگیرند؛ عکسی که شاید ارزش واقعی درک مخاطب و تماشاگر را

نشان دهد.

است که معترض است. انگار نباید کسی فیلمی، عکسی، چیزی بگیرد.

یکی از ماموران انتظامات که مسئول رسیدگی به تمرینات تیم ملی

است، با این رویه با آنهایی که بخواهند به حریمش تجاوز کنند، برخورد

می‌کند....

از پشت فنس‌های فلزی که ردیف‌های مربعی‌شکل بزرگی دارد،

می‌شود به راحتی هر دو زمین چمن تمرینی تیم ملی در مسکو را

دید. بااین‌حال چیزی که بیش از سبزی زمین چمن به چشم می‌آید،

دیوار نوشته آبی بزرگی است که روی دیوارهای افقی بزرگ کمپ به

چشم می‌آید: «خوش آمدید». معدود کلمات فارسی که می‌شود در

مسکو دید. کنارش هم به روسی همان عبارت را نوشته‌اند. هر دو دیوار

اصلی کمپ با همین دیوارپوش و نوشته‌ها مزین شده است. در کمپ

هم همه چیز آرام به نظر می‌رسد ولی چیزی شبیه به آرامش قبل از

توفان است. کمک‌مربیان و «ترنرها» اولین نفراتی هستند که می‌آیند.

قیف، کتژ و مانع‌های پلاستیکی و بادی به دست، وسایل را همه جای

زمین می‌چینند؛ آنها مجربان طرحی هستند که کی‌روش برای تمرین

تیم ملی در نظر گرفته است. سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران حالا به

اولین سسد بزرگش در جام جهانی نزدیک می‌شود؛ نزدیک‌تر از هر شینی

که در آینه دیده می‌شود. مراکش برای ایران از اسپانیا و پرتغال به‌مراتب

مهم‌تر است؛ پای مرگ و زندگی و بقا و خداحافظی به شدت در میان

است. هرکدام از این دو تیم اگر ببازند، ۹۹.۹۹ درصد باید چمدان‌ها

را ببندند و «بای بای» جام جهانی. اما کدام تیم‌زودتر خداحافظی

می‌کند؟ «مراکش که ردخور ندارد. این تیمو مته هلو می‌بریم. من حتی

می‌گم برای بازی برابر دو تیم دیگه هم شناس داریم. اسپانیا رو بتونیم

نتیجه خوبی بگیریم که حله چون پرتغال رو فک می‌کنم آقای کی‌روش

راحت می‌تونه برابرش نتیجه بگیره». این را مهرداد می‌گوید؛ هواداری

که پیراهن تیم ملی را به تن کرده، عینکی به رنگ پرچم ایران به چشم

زده و دستبندی به همان سه رنگ هم روی مچ دستش بسته است.

مهرداد را به تمرین راه نداده بودند ولی او و ده‌ها نفر دیگری که محل

کمپ تمرینی تیم مللی را پیدا کرده بودند، تقریبا هر روز همان جاها

بودند. انگار می‌دانستند حتی اگر به محل تمرین هم راهشان ندهند،

بالاخره بازیکنان تیم ملی به سراغشان می‌آیند و با آنها عکس یادگاری

بگیرند؛ عکسی که شاید ارزش واقعی درک مخاطب و تماشاگر را

نشان دهد.

است که معترض است. انگار نباید کسی فیلمی، عکسی، چیزی بگیرد.

یکی از ماموران انتظامات که مسئول رسیدگی به تمرینات تیم ملی

است، با این رویه با آنهایی که بخواهند به حریمش تجاوز کنند، برخورد

می‌کند....

از پشت فنس‌های فلزی که ردیف‌های مربعی‌شکل بزرگی دارد،

می‌شود به راحتی هر دو زمین چمن تمرینی تیم ملی در مسکو را

دید. بااین‌حال چیزی که بیش از سبزی زمین چمن به چشم می‌آید،

دیوار نوشته آبی بزرگی است که روی دیوارهای افقی بزرگ کمپ به

چشم می‌آید: «خوش آمدید». معدود کلمات فارسی که می‌شود در

مسکو دید. کنارش هم به روسی همان عبارت را نوشته‌اند. هر دو دیوار

اصلی کمپ با همین دیوارپوش و نوشته‌ها مزین شده است. در کمپ

هم همه چیز آرام به نظر می‌رسد ولی چیزی شبیه به آرامش قبل از

توفان است. کمک‌مربیان و «ترنرها» اولین نفراتی هستند که می‌آیند.

قیف، کتژ و مانع‌های پلاستیکی و بادی به دست، وسایل را همه جای

زمین می‌چینند؛ آنها مجربان طرحی هستند که کی‌روش برای تمرین

تیم ملی در نظر گرفته است. سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران حالا به

اولین سسد بزرگش در جام جهانی نزدیک می‌شود؛ نزدیک‌تر از هر شینی

که در آینه دیده می‌شود. مراکش برای ایران از اسپانیا و پرتغال به‌مراتب

مهم‌تر است؛ پای مرگ و زندگی و بقا و خداحافظی به شدت در میان

است. هرکدام از این دو تیم اگر ببازند، ۹۹.۹۹ درصد باید چمدان‌ها

را ببندند و «بای بای» جام جهانی. اما کدام تیم‌زودتر خداحافظی

می‌کند؟ «مراکش که ردخور ندارد. این تیمو مته هلو می‌بریم. من حتی

می‌گم برای بازی برابر دو تیم دیگه هم شناس داریم. اسپانیا رو بتونیم

نتیجه خوبی بگیریم که حله چون پرتغال رو فک می‌کنم آقای کی‌روش

راحت می‌تونه برابرش نتیجه بگیره». این را مهرداد می‌گوید؛ هواداری

که پیراهن تیم ملی را به تن کرده، عینکی به رنگ پرچم ایران به چشم

زده و دستبندی به همان سه رنگ هم روی مچ دستش بسته است.

مهرداد را به تمرین راه نداده بودند ولی او و ده‌ها نفر دیگری که محل

کمپ تمرینی تیم مللی را پیدا کرده بودند، تقریبا هر روز همان جاها

بودند. انگار می‌دانستند حتی اگر به محل تمرین هم راهشان ندهند،

بالاخره بازیکنان تیم ملی به سراغشان می‌آیند و با آنها عکس یادگاری

بگیرند؛ عکسی که شاید ارزش واقعی درک مخاطب و تماشاگر را

نشان دهد.

است که معترض است. انگار نباید کسی فیلمی، عکسی، چیزی بگیرد.

یکی از ماموران انتظامات که مسئول رسیدگی به تمرینات تیم ملی

است، با این رویه با آنهایی که بخواهند به حریمش تجاوز کنند، برخورد

می‌کند....

از پشت فنس‌های فلزی که ردیف‌های مربعی‌شکل بزرگی دارد،

می‌شود به راحتی هر دو زمین چمن تمرینی تیم ملی در مسکو را

دید. بااین‌حال چیزی که بیش از سبزی زمین چمن به چشم می‌آید،

دیوار نوشته آبی بزرگی است که روی دیوارهای افقی بزرگ کمپ به

چشم می‌آید: «خوش آمدید». معدود کلمات فارسی که می‌شود در

مسکو دید. کنارش هم به روسی همان عبارت را نوشته‌اند. هر دو دیوار

اصلی کمپ با همین دیوارپوش و نوشته‌ها مزین شده است. در کمپ

هم همه چیز آرام به نظر می‌رسد ولی چیزی شبیه به آرامش قبل از

توفان است. کمک‌مربیان و «ترنرها» اولین نفراتی هستند که می‌آیند.

قیف، کتژ و مانع‌های پلاستیکی و بادی به دست، وسایل را همه جای

زمین می‌چینند؛ آنها مجربان طرحی هستند که کی‌روش برای تمرین

تیم ملی در نظر گرفته است. سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران حالا به

اولین سسد بزرگش در جام جهانی نزدیک می‌شود؛ نزدیک‌تر از هر شینی

که در آینه دیده می‌شود. مراکش برای ایران از اسپانیا و پرتغال به‌مراتب

مهم‌تر است؛ پای مرگ و زندگی و بقا و خداحافظی به شدت در میان

است. هرکدام از این دو تیم اگر ببازند، ۹۹.۹۹ درصد باید چمدان‌ها

را ببندند و «بای بای» جام جهانی. اما کدام تیم‌زودتر خداحافظی

می‌کند؟ «مراکش که ردخور ندارد. این تیمو مته هلو می‌بریم. من حتی

می‌گم برای بازی برابر دو تیم دیگه هم شناس داریم. اسپانیا رو بتونیم

نتیجه خوبی بگیریم که حله چون پرتغال رو فک می‌کنم آقای کی‌روش

راحت می‌تونه برابرش نتیجه بگیره». این را مهرداد می‌گوید؛ هواداری

که پیراهن تیم ملی را به تن کرده،